

# اندیشه نو

فصلنامه علمی، فرهنگی و سیاسی

شماره ۲۹ پاییز ۱۳۹۲

**صاحب امتیاز:**

انجمن فرهنگی تبلور اندیشه

**مدیر مسئول:**

سید سلیمان حسینی

**سر دبیر:**

سید مصطفی موسوی مبلغ

**هیئت تحریریه:**

سید سلیمان حسینی، سید علی حسینی، سید حسین حسینی، سید محمد هاشمی، رقیه علوی، فاطمه خاوری، معصومه حیدری

**همکاران این شماره:**

سید صالح علی پور، عباس سلیمانی، سید کمیل مومن زاده

**طراحی و صفحه آرایی:**

گروه طراحان گیتی سیستم

[www.Facebook.com\gitisystem](http://www.Facebook.com\gitisystem)

**نکته ها**

اندیشه نو از کلیه مقالات ارسالی در موضوعات مرتبط با فصلنامه استقبال می کند.

نظریه ها و دیدگاه های ارائه شده در این فصلنامه ضرورتاً نکره و موضع اندیشه نو نیست.

بازگویی و نقل مطالب و نظریه ها از این فصلنامه با یادکرد منبع بدون مانع میباشد. مقالات رسیده بازگردانده نمی شود.

اندیشه نو از بازاندیشی و نقد روشمند و منصفانه استقبال میکند.

[www.Tabalwor.com](http://www.Tabalwor.com)

[www.FB.com\tabalwor](http://www.FB.com\tabalwor)

+۹۳۷۸۳۹۲۸۱۰۹

+۹۸۹۱۵۲۵۸۲۸۶۲

# فصلنامه علمی، فرهنگی و سیاسی

## فهرست مطالب

سر مقاله ۴/

سر دبیر

سینمای افغانستان در جستجوی هویت و توسعه ۶/

سید سلیمان حسینی

گزارشی از وضعیت رسانه های تصویری در افغانستان: ۱۲/

عباس سلیمانی

رشد کیفی؛ حلقه مفقوده توسعه رسانه ای در افغانستان ۱۶/

سید صالح علی پور

رسالت قرآنموش شده رسانه ها ۱۸/

سید مصطفی موسوی مبلغ

نبود بخش تولید؛ معضل تلویزیون هرات ۲۲/

سید سلیمان حسینی

مطبوعات افغانستان؛ از انحصار طلبی تا تکثر گرایی ۲۴/

رقیه علوی

طرزی و بومی سازی ژورنالیسم در افغانستان ۲۸/

سید کمیل مومن زاده

دست آوردهای انجمن ۳۲/

افغانستان به روایت تصویر ۳۵/

**آدرس:**

کابل: بل سرح، قلعه وزیر، سمت چپ، درب دوم، مسیر غلام زاده

کابل: برج کولابی مهتاب قلعه، جنب شورای حوزه علمیه افغانستان، سید باقر حسینی

هرات: هرات شهرک چریل چهارده متری بالا، بازار جمع التاخرین علی ظفر طبراه

هرات: شهرک چریل بندار کتابخانه رسالت (جزیره) چهارراه دوم سمت چپ درب سوم سید محسن حسینی

هزار شریف: اول کارته وحدت (روبروی ادهم ترهای تور، کابل ایسه خصوصی دختر نامهر سید ابراهیم سادات مرتضوی

بامیان: بکه وانگ، نیگه، شهر نو، دفتر هیئات سازمان ملل متحد، سید داوود فتح

مشهد، کتشر، امیرالمؤمنین ۱، پلاک ۳۷۰، انجمن فرهنگی تبلور اندیشه

# سفر

بدون تردید انعکاس واقعیت‌های اجتماعی و تقویت آگاهی عمومی، از مقوله‌هایی است که امروزه بخش عمده آن از طریق رسانه‌ها صورت می‌گیرد. رسانه‌ها، با تمام انواع آن، وظیفه انتقال فرهنگ و ارزش‌های جامعه را بر عهده دارند و نفوذ و تاثیر گذاری این دستگاه عظیم بر زندگی بشر، اهمیت پرداختن به آن را آشکار می‌سازد. امروزه رسانه‌ها، به عنصری مهم از فرهنگ جامعه تبدیل شده‌اند، به گونه‌ای که بسیاری از واکنش‌های افراد جامعه را می‌توان از تاثیرات رسانه‌ها دانست.

فراگیری رسانه‌ها کار را به اینجا کشانده است که هر گاه نهاد ارگان و یا فردی را می‌بینیم که نمی‌خواهد خود را در قالب شایطون‌های این مقوله جای دهد، در انتظار ما عجیب و ناسالم و دارای اختلال جلوه می‌کنند و در این جا است که می‌بینیم رسانه‌ها تا چه حد در عوام زندگی فرهنگ کمک می‌کنند.

موافقان این انقلاب رسانه‌ای، انواع رسانه را پنجره‌ای رو به جهان می‌دانند و معتقدند که رسانه‌ها حکم نقطه مرکزی در گفتگوها و مراودات انسانی را دارند. از رهگذر این دریچه است، که ارزش‌های حاکم بر فرهنگ و روایا انسانی دستخوش تغییر شده و به راحتی می‌توان گفت خودآگاهی اجتماعی انسان‌ها در این عصر به وضوح دیده می‌شود.

پس از ساقط شدن حکومت طالبان و در دوران حکومت انتقالی افغانستان در سال ۲۰۰۱، قتلون جدید مطبوعات در افغانستان شکل گرفت.



# افغانستان

## و رسانه ها

قوانین جدید به نوعی حالت انحصاری رسانه های جمعی مثل رادیو، تلویزیون و مطبوعات را از اختیار دولت ساقط کرده و جواز راه اندازی این رسانه ها را از طرف بخش های خصوصی به رسمیت شناخت و همین مساله سبب شد که رسانه ها رشدی قارچ گونه داشته باشند در این میان سهم رسانه های نوشتاری و مطبوعات بیشتر از رسانه های دیداری و شنیداری است.

همین امر موجب می شود تا نگاهی ویژه و دقیق به رسانه های افغانستان داشته باشیم و این موضوع را با نگاهی همراه با تأمل بررسی کنیم. زیرا رشد رسانه ها، آن هم در کشوری که از لحاظ اجتماعی چوران نایسامانی را طی می کند، از جهتی مثبت است و از طرف دیگر می تواند تأثیرات منفی و غیر قابل جبرانی را از خود بر جای بگذارد.

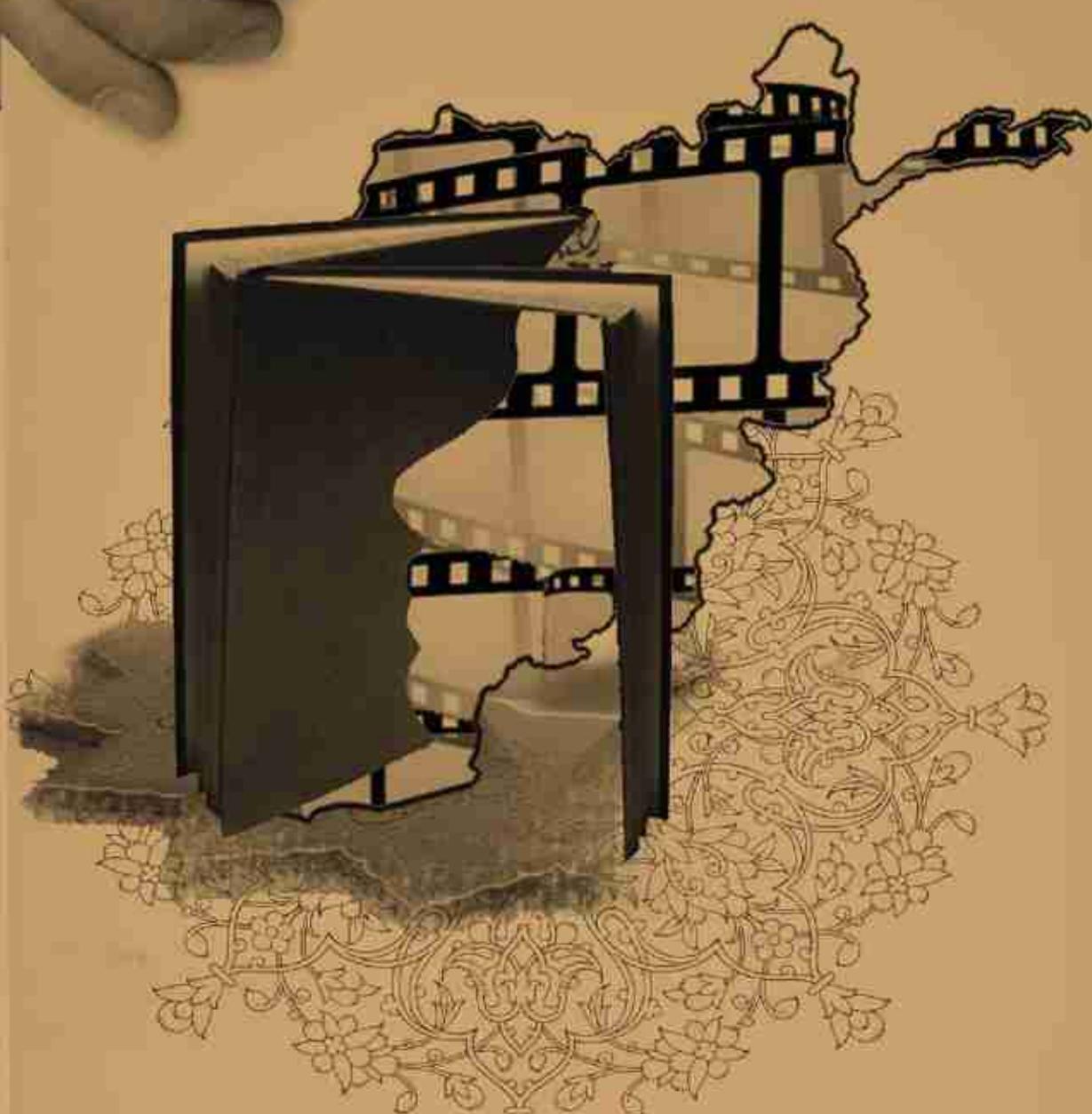
همین امر موجب می شود تا نگاهی ویژه و دقیق به رسانه های افغانستان داشته باشیم و این موضوع را با نگاهی همراه با تأمل بررسی کنیم. زیرا رشد رسانه ها، آن هم در کشوری که از لحاظ اجتماعی چوران نایسامانی را طی می کند، از جهتی مثبت است و از طرف دیگر می تواند تأثیرات منفی و غیر قابل جبرانی را از خود بر جای بگذارد.

به عبارتی دیگر، رسانه ها در عصر حاضر حکم تیغ دو لبه ای را دارند که نوع کاربرد آن بر افکار عمومی بسیار حائز اهمیت است. خروجی رسانه ها می تواند از طرفی مخرب جامعه باشد و جامعه را به سمت انهدال فرهنگی و اشاعه فرهنگ اباحی گری سوق دهد و از سوی دیگر قادر است نقشی اساسی در توسعه همه جانبه کشور و به وجود آوردن جامعه ای آگاه و جوشیار ایفا کند.

همچنین رشد کمی مطبوعات و انواع رسانه های دیداری و شنیداری در افغانستان، بدون در نظر داشتن کیفیت و محتوای متناسب، مساله ای است که بسیاری از کارشناسان مسائل رسانه ای را نگران کرده است. زیرا وقتی کشوری بدون در نظر گرفتن بسترهای موجود، فقط به رشد کمی رسانه ها نظر داشته باشد، قطعاً از لحاظ محتوا دچار مشکل خواهد شد و محتوای سطحی می تواند شالوده فرهنگی آن جامعه را تهدید کند. چرا که ممکن است در صورت عدم تغذیه صحیح، به الگو برداری نادرست و تقلید های نابجا روی آورند و متأسفانه باید بگوییم اکثر رسانه های افغانستان، به این مساله مبتلا شده اند.

اهمیت این محنت، خصوصاً در کشور افغانستان موجب شده که فصلنامه «اندیشه تو» در شماره بیست و نهم (پاییز ۱۳۹۲) به موضوع «افغانستان و رسانه» بپردازد و این مساله را از زوایای مختلف مورد بررسی قرار دهد. امیدواریم توانسته باشیم قدمی در راه اعتلای فرهنگ رسانه ای در افغانستان برداریم.

سردبیر



# سینمای افغانستان در جستجوی هویت و توسعه



سید سلیمان حسینی  
کارشناس کلام اسلامی و دانش‌پژوه دوره عالی رسانه



گاه و ناگاه برگزاری کارگاه‌ها (تدویر و رکشاپ‌ها) و سمینارها، نمایشات و نقد و بررسی فیلم در حد محدود و تولید فیلم‌ها با سطح پایین، از جمله فعالیت‌هایی است که در چند سال اخیر جریان داشته، اما تأثیرات عمیق و موثر بر مخاطب بانی نداشته است.

اگر بخواهیم به مختصر تاریخچه سینمای کشور بپردازیم، باید بگوییم، اولین فیلم افغانی در هندوستان ساخته شد و مربوط به سال ۱۹۴۹ میلادی است. در سال ۱۹۶۶ اولین شرکت سینمایی به نام «افغان فیلم» با همکاری آمریکا یا به عرصه هنر هفتم در افغانستان نهاد. موسسه «افغان فیلم» گرچه یک مرکز دولتی بود، اما توانست اقدامات مناسبی انجام دهد که طی آن، فیلم‌سازان آماتور کشورمان به تولید فیلم‌های مستند و گزارشی روی آوردند.

چرخ تولیدی افغان فیلم از سالهای پایانی دهه چهل به راه می‌افتد، اما نبود تجربه کافی و عدم درک اهمیت سینما از نگاه اجتماعی - اقتصادی توسط حکومت، باعث می‌گردد تا حداقل چند سال دیگر هم حکومت وقت به آن اهمیت ندهد.

در واقع این دهه شصت خورشیدی است که از یکسو حکومت وقت به اهمیت سینما جهت استفاده ابزاری برای تبلیغات ایدئولوژیک به نفع خود پی می‌برد، و از سوی دیگر هم تجربه فیلم‌سازی تا حدی کسب می‌گردد و حتی نسل جدید تری، سینما را به صورت آکادمیک در اتحاد جماهیر شوروی وقت و کشورهای دیگر فرا می‌گیرند که پیش‌زمینه‌ای برای تولیدات بیشتر بعدی فراهم می‌گردد.

معمولاً از سینما به هنر هفتم در جهان یاد می‌کنند، سینما عاملی برای شناساندن آداب و فرهنگ هر کشوری برای دیگر کشورهای جهان است.

چند دهه است که کشورهای جهان در راستای ارتقا و پیشرفت هنر هفتم خود، کارها و اقدامات فراوانی انجام می‌دهند. نمونه‌های بارز سینمای جهان را می‌توان هالیوود و بالیوود دانست که در طول سال، با مصارف بسیار هنگفتی، اقدام به ساخت فیلم‌های متفاوت می‌نمایند و در آن فیلم‌ها، چهره‌های جدید و درخشان دنیای سینما را معرفی می‌کنند.

امروزه با وجود پیشرفت‌های تکنیکی زیاد در سینمای معاصر جهان و مبدل شدن آن به یک صنعت پر درآمد و پر رونق، سینما در افغانستان به عنوان یک هنر بیش یا افتاده و بی‌ارزش تلقی می‌گردد، ویرانی‌ها و فقر اقتصادی و فرهنگی، صدمه زیادی بر بیکر سینمای ما وارد نموده است و تقریباً همه دار و ندار فرهنگی کشور از این مسأله بی‌نصیب نمانده است. وجود سرمایه‌گذاری و امکانات، نقش مهمی در پیشرفت این ابزار قدرتمند دارد، که در شرایط کنونی ما با فقدان آن رو به رو هستیم.

اما موضوعی که بسیار زیاد در فیلم‌های افغانی و سینمای افغانستان وجود دارد، تک‌محوری بودن فیلم‌ها است، از سوی دیگر، سینما هنوز به یک فرهنگ فراگیر ملی مبدل نگردیده است. تحقق هر دو امر به فرصت زیاد، سنجش تدابیر درست و دقیق، و بیش از همه به یک برنامه وسیع ملی نیازمند است. کارهایی که تاکنون در زمینه سینما صورت گرفته است اکثراً مقطعی بوده و بدون شک نمی‌توان انتظار بیش از حد از آن داشت!

دهه شصت به پایان می‌رسد، اوضاع مملکت از لحاظ سیاسی متشنج می‌شود و با سقوط رژیم داکتر نجیب کلیه سینماها و تولیدات سینمایی از دور خارج می‌شود، تا اینکه در دوران مجاهدین فقط یک فیلم نسبتاً بلند ساخته می‌شود. جنگ‌ها آغاز می‌گردند و برای سینما فجایع مستقیم و غیر مستقیم به بار می‌آوردند. شرایط طوری می‌گردد که دغدغه اصلی انسان‌ها فقط زنده ماندن می‌شود. پس: در آن صورت هنر و سینما برای چندین سال نه تنها در فهرست اولویت‌های زندگی قرار نمی‌گیرد، که به کلی فراموش می‌گردد. سینماگران و هنرمندان از کشور فراری می‌گردند، هنر پیشه‌های زن با مخالفت‌ها و تعصبات شدید مواجه می‌شوند و بالاخره سینمای افغانستان با چند فیلم متوسط جوان مرگ می‌گردد.

در طی سال‌های جنگ، سالن‌های سینما تخریب شده و آرشیو فیلم‌ها به غارت برده می‌شود. در این حال فیلم‌سازان افغانستان با فرار از کشور، در ممالک دیگر دست به فعالیت‌های انفرادی می‌زنند که با در نظر داشت شرایط فیلم‌سازی در کشور‌های بیگانه، این فعالیت‌ها را نمی‌توان بسیار مفید و چشم‌گیر ارزیابی کرد.

یکی از دست‌آورد‌های مثبتی که طی این سالها می‌توان در عرصه سینما نام برد، تحصیلات آکادمیک سینما در کشور‌های مختلف و به وجود آمدن نسل جدیدی از فیلم‌سازان جوان افغان است، که در دوران مهاجرت، با سعی و تلاش انفرادی شان خود را به جایی رسانده‌اند. از سال هفتاد الی هشتاد و یک خورشیدی، نه تنها سینما، بلکه

همه عرصه‌ها در افغانستان دچار بدترین حالت بوده است که پنج سال حکومت طالبان، مرگبارترین ضربه را بر بیکر آن وارد کرده است. در این دوره تاریک، تابو نمودن فیلم و تصویر و از بین بردن قسمتی از آرشیو افغان فیلم، فاجعه‌بارترین برخوردی است که با سینمای نوجوان ما صورت گرفته است. اما در حال حاضر، بعضی از فیلم‌سازان و سینماگران ما یا اراده‌ای مصمم به کشورشان بازگشته و دست به کار شده‌اند، اما دیگر زمان فرق کرده است و بیکر قلیچ سینما که سال‌های زیادی را در بستر نا‌آرامی به سر برده دچار مشکلات فراوانی است.

نمود هویت مشخص:

در اکثر تولیدات فعلی فیلم در کشور ما، چیزی به نام هویت مشخص احساس نمی‌شود. فیلم‌های فعلی با سردرگمی و بدون خط فکری مشخص ساخته می‌شوند. در فیلم‌های حال حاضر، اکثراً کاراکترهای ناپخته و پرداخت نشده‌ای را می‌بینیم که نه جذابیت دارند و نه تاثیرگذاری و ماندگاری. در اکثر فیلم‌های تولیدی افغانستان، به جز رگه‌هایی از تقلید نا‌آگاهانه و بدون پشتوانه فکری از فیلم‌های مختلف، خاصاً هندی، چیزی دیگری به چشم نمی‌خورد و این انعکاس دهنده سردرگمی فیلم‌سازان می‌باشد.

و تکامل آن زمانی است که چه از لحاظ اقتصادی و چه از لحاظ فرهنگی، به بخشی از فرهنگ همگانی مبدل گردد؛ به حدی که فرد فرد جامعه با آن رابطه برقرار نماید. متأسفانه شرایط فعلی نشان می‌دهد که سینمای ما به سمت نا معلومی در حرکت است که زیاد امیدوار کننده نیست و بهتر است سینما را مطابق نیازها، فرهنگ، اقتصاد و مردم خویش به کار گیریم.

کشور هایی که امروز سینماشان در سطح رقابت های جهانی حرفی برای گفتن دارند، سینما را نظر به خواست زمان، از یک سرگرمی عمومی شروع کرده، آهسته آهسته آن را به حدی در بین مردم ترویج نموده اند تا به یک بخش لاینفک زندگی روزانه مردم مبدل سازند، یعنی در اوایل، سینما مطابق میل مردم عام که اکثریت تماشاچیان را تشکیل می‌دادند در حرکت بوده و کم کم، با تقاضای مردم، بازدهی و گردش چرخ بقای آن، خود به خود شکل گرفته و آن زمانی است که دیگر نیازی به تحمیل آن نیست، بلکه فقط باید حرکت آن را کنترل کرد و مسیر پیشرفت آن را سمت و سو داد. حال اگر موضوع بحث را بر سینمای افغانستان منطبق کنیم باید بگوییم: تفکر و اندیشه، اساس سینما و اقتصاد، پشتیبان آن است، که این دو فاکتور را به هیچ وجه نمی‌توان در سینمای امروز افغانستان دید. اکثر فیلم های فعلی افغانی، به گونه فرمایشی ساخته می‌شوند، و در پس آنها هیچ گونه اندیشه ای که فراخور افغانستان باشد دیده نمی‌شود.

شاید علت آن برگردد به پایین بودن سطح دانش سینمایی و مطالعات اجتماعی آنان و تا جایی هم به مخاطب و بازار فروش محصولات شان، که به هر اندازه سطح بیننده و تماشاچی پایین باشد و تقاضای فیلم های بیش با افتاده و مصرفی زیاد شود، به همان اندازه از اندیشه و ابتکار خلاقانه فیلم سازی کاسته می‌شود.

عدم حضور منتقدین سینمایی، نبود جشنواره های معرف و تشویقی، نبود مراکز آموزشی تخصصی هنر و تکنیک های سینمایی، پایین بودن سطح سواد عمومی، اقتصاد ضعیف و بی توجهی دولت در این عرصه، از جمله عواملی اند که دست به دست هم داده، بحرانی را در سینمای کشور به وجود آورده اند. فیلم سازان تازه کار مملکت ما، بدون در نظر داشت سطح دانش و تکامل اجتماعی مردم هند، سعی بی جهت می‌نمایند تا با تقلید های نا آگاهانه از فیلم های آنان، به کارشان رونق بدهند.

اصالت سینما در صورتی کسب می‌گردد که تقاضا و عرضه تولیدات سینمایی در بین جامعه به یک نیاز همگانی و بخشی از فرهنگ مردم مبدل گردد. کاری که در هند و آمریکا صورت گرفته است، سینما در یک جامعه، زمانی جایگاهش را می‌یابد که نیاز به آن احساس شود. به هر اندازه ای که نیازمندی به سینما احساس شود، به همان اندازه زمینه انکشاف و پیشرفت آن میسر می‌گردد.



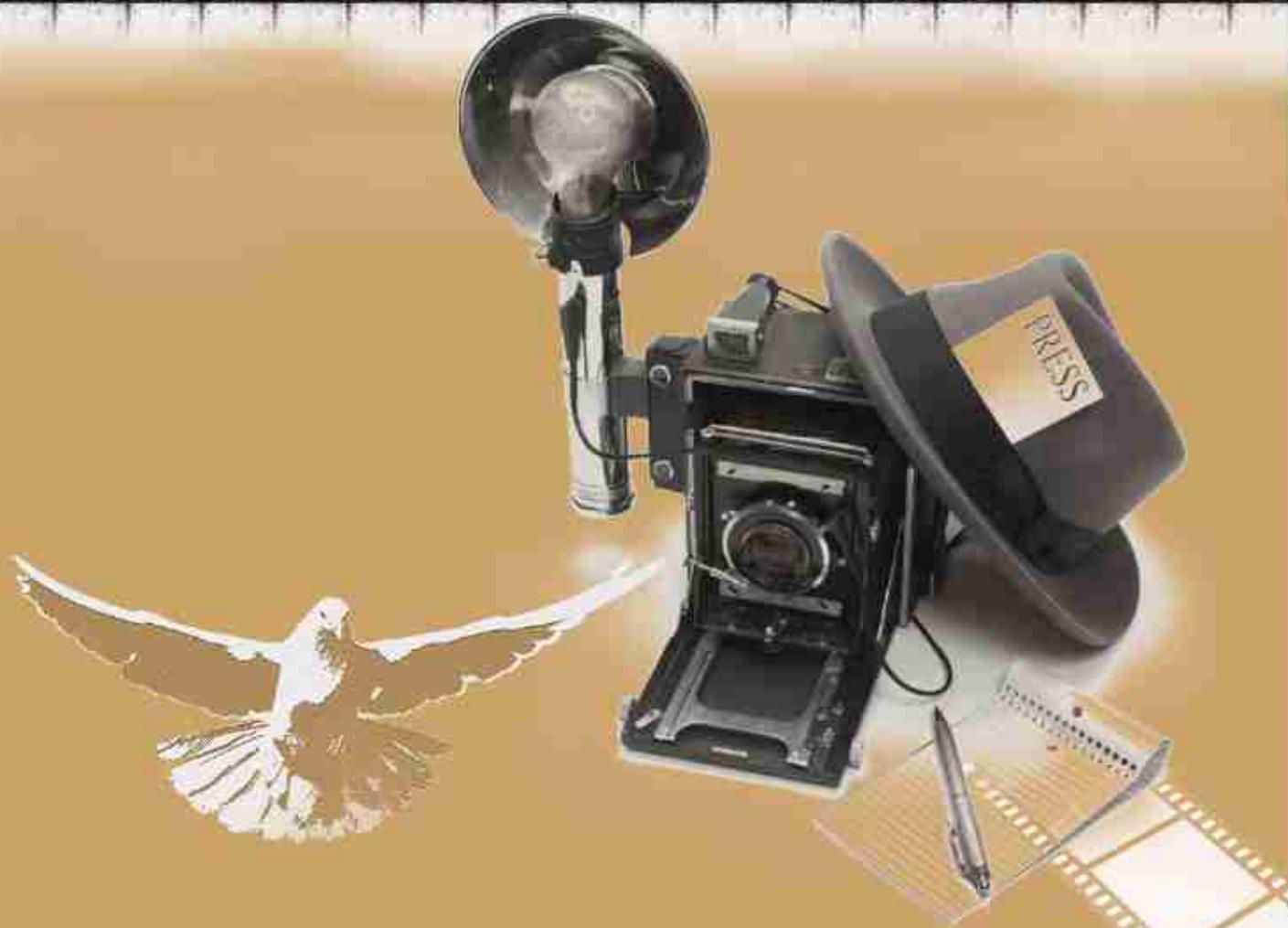
### استفاده از هنر و صنعت فیلم سازی:

سینما در طول تاریخ بیدایشش، برای اهداف مختلف مورد استفاده قرار گرفته است. گاه این اهداف سیاسی و تبلیغاتی بوده اند و گاه اقتصادی و تجاری. در حالی که در تولیدات فیلمی سالهای اخیر کشور ما، هیچ گونه هدف مشخصی در پس آثار به مشاهده نمی رسد.

اگر دقت نماییم در دوران حاضر در افغانستان به صورت کلی دو دسته فیلم ساخته می شوند، اول فیلم هایی که به باور سازندگان شان تجاری اند و به صورت آشکار از سبک و سیاق فیلم های هندی تقلید می نمایند، که معمولاً این دسته از فیلم ها برای بازار داخلی و تماشاچیان سطح پایین جامعه تولید می شوند. این فیلم ها معمولاً با هزینه کم، کیفیت پایین و استفاده از کسانی که به خاطر ظاهر شدن در یک نقش، حاضرند حتی پول هم به سازندگان فیلم بپردازند، بدون اینکه چیزی از قصای سینما بدانند، تولید شده روانه بازار می گردند و صدمه جبران نا پذیری را بر نام و نشان سینمای افغانستان وارد می کنند. جالب اینکه این دسته از فیلم سازان از پخش سی دی فیلم هایشان نیز درآمد چندانی ندارند. در سیستم پخش و توزیع فیلم ها در کشور، نه معیار درست و صحیحی وجود دارد و نه قانونی.



dreamstime



این فیلم‌ها ارزش و توانمندی حضور در جشنواره‌های بیرون مرزی را ندارند تا لااقل از آن طریق به بازارهای بخش بین‌المللی راه یابند، ولی با پایین بودن کیفیت این فیلم‌ها، باز هم این فیلم‌سازان مورد عنایت مسئولین و بعضی از بیشتازان سینمای کشور قرار می‌گیرند و به جای راهتمایی‌های سالم و نقد و بررسی دقیق آثارشان، و یا آموزش‌دهی آنها، با تشویق‌های بی‌مورد، آنان را از مسیر اصلی منحرف می‌سازند.

دسته دوم فیلم‌هایی‌اند که به عقیده سازندگانشان برای جشنواره‌ها ساخته می‌شوند که ممکن است از نگاه کیفی مقدار کمی بهتر از دسته اول باشند و بعضی از معیارهای فیلم‌سازی در آنها مد نظر گرفته شود، ولی آنها نیز بدون پشتوانه مستقل فکری و با دیدگاه‌های سطحی به مسایل، ساخته می‌شوند. این فیلم‌ها بعضاً دستخوش تقاضاهای بیرونی و یا فرمایش دهنندگان داخلی و خارجی می‌گردند. این مساله باعث می‌گردد که چنین فیلم‌هایی، هم برای مخاطبان داخلی نا آشنا باشند و هم برای خارجی‌ها هویت مشخصی از افغانستان ارائه نکنند.

امید است تا این مشکلات و معضلات، در مسیر توسعه سینما از چشم مسئولین مربوطه دور نماند و بیش از پیش به این مهم توجه نمایند.

# گزارشی از وضعیت رسانه‌های تصویری در افغانستان

عباس سلیمانی

زمان زیادی از آغاز به کار تلویزیون در افغانستان نمی‌گذرد. این رسانه تاثیر گذار نیز مانند دیگر رسانه‌های افغانستان، تاریخ پر فراز و نشیبی را طی کرده است. اولین شبکه تلویزیونی افغانستان در سال ۱۹۷۹ میلادی افتتاح شد و در حال حاضر نیز، بیش از پنجاه شبکه محلی و سرتاسری به فعالیت‌های رسانه‌ای مشغول هستند. در این گزارش به وضعیت رسانه‌های تصویری در افغانستان می‌پردازیم:

## صاحبان تلویزیون‌های افغانستان:

در افغانستان عمدتاً تلویزیون‌ها به سه گروه، تقسیم‌بندی می‌شوند: نخست، تلویزیون دولتی یا ملی که شاخه‌های آن، در بسیاری از ولایات افغانستان نیز وجود دارد. دوم، تلویزیون‌هایی که از سوی احزاب سیاسی و برخی شخصیت‌های با نفوذ راه‌اندازی شده‌اند و سوم، تلویزیون‌های خصوصی که به دلیل سودآوری فعالیت می‌کنند، ولی در عین حال از کمک‌های جامعه جهانی و نهاد‌های بین‌المللی هم برخوردارند.

## تلویزیون دولتی:

این تلویزیون که پیشینه آن به سال ۱۹۷۹ بر می‌گردد، نخستین ایستگاه تلویزیونی در افغانستان است که به کمک کشور ژاپن ساخته شد. کار این ایستگاه تلویزیونی در زمان محمد داوود، رئیس‌جمهوری پیشین افغانستان آغاز شد ولی خودش شاهد افتتاح آن نبود. افتتاح این تلویزیون پس از کودتای ۷ ثور به وسیله کسانی صورت گرفت که محمد داوود را به قتل رساندند و به جای او به قدرت رسیدند.

از همان زمان تا به امروز، تلویزیون دولتی افغانستان روزگار خوشی نداشته است. زمانی این تلویزیون به مهم‌ترین حربه سیاسی و ایدئولوژیک زمامداران تبدیل شد و زمانی هم طالبان، کاملاً آن را مهر و موم کردند. اما پس از سقوط رژیم طالبان، تلویزیون دولتی افغانستان یک بار دیگر آغاز به کار کرد و این بار، نام «تلویزیون ملی» را به خود گرفت، در حالی که همچنان به عنوان رسانه اصلی تبلیغات حکومتی شناخته می‌شود.

در شکل و محتوای برنامه‌های تلویزیون ملی، تغییرات چندانی به وجود نیامده و حتی نوع اجرای برنامه‌های خبری و سیاسی آن، به همان شیوه‌های گذشته صورت می‌گیرد. هرچند کشورهای ژاپن و آلمان تلاش‌هایی برای نوسازی تلویزیون ملی افغانستان صورت دادند، اما این تلویزیون به دلیل نداشتن کادر متخصص، نتوانست در جذب مخاطب موفق باشد.



### تلویزیون های خصوصی:

اولین تلویزیون خصوصی افغانستان، در ولایت هرات واقع در غرب کشور در سال ۲۰۰۳ میلادی بنام «سیمای غوریان» آغاز به کار کرد.

هرچند که این شبکه، فرستنده کوچکی در اختیار داشت، ولی با بخش برنامه های متفاوت، توانسته بود، تعداد مخاطبین اندک خود را در منطقه تحت پوشش در شهرستان غوریان ولایت هرات افزایش دهد.

مردم شمال افغانستان که به تلویزیون دسترسی نداشتند، در ژانویه سال ۲۰۰۴ میلادی در شهر «شبرغان» شاهد تولد یک رسانه خصوصی تصویری به نام «آینه» بودند. این شبکه با همکاری متخصصان ترکیه آغاز به کار کرد و با پوشش پنج ولایت شمالی، به مردم این مناطق اجازه داد تا طعم یک رسانه آزاد را احساس کنند.

آینه، که در ابتدا به زبان ترکمنی و ازبکی برنامه پخش می کرد، مقداری رنگ و بوی غربی داشت و مردم افغانستان را با ساختار و نوع جدیدی از رسانه و برنامه ها آشنا کرد.



یکی دیگر از شبکه های مطرح افغانستان، «تلویزیون تمدن» است که در سال ۲۰۰۷ میلادی توسط آیه الله محمد آصف محسنی، یکی از رهبران سیاسی - مذهبی افغانستان راه اندازی شد. این شبکه برخلاف سایر شبکه های تلویزیونی خصوصی افغانستان، از پخش موسیقی پرهیز می کند و محتوای این شبکه را بیشتر مسائل دینی تشکیل می دهد.

مردم شهر کابل نیز در سال ۲۰۰۴ میلادی شاهد راه اندازی اولین تلویزیون خصوصی به نام «افغان تی وی» بودند. این شبکه در ابتدا با پخش صدای خوانندگان زن و برنامه های تفریحی توانست در میان شهروندان کابل بیننده هایی را نیز پیدا کند.

این شبکه که دستگاه فرستنده آن، با هزینه ۲۰۰ هزار دلار از تایوان خریداری شده بود، اکنون به دلیل ضعف در برنامه سازی و همچنین کیفیت پایین تصویر، نتوانسته است با سایر تلویزیون های خصوصی در کشور رقابت کند.

در اکتبر سال ۲۰۰۴ میلادی تلویزیون خصوصی «طلوع» به بازار رسانه های تصویری کشور افزوده شد. این رسانه با به کارگیری نیروهای جوان و برنامه های جالب توانست در مدت زمان کوتاهی مخاطبان بسیاری جذب کند.

طلوع تلاش کرد که از طرفی طیف های مختلف اجتماع را با خود داشته باشد و از طرف دیگر برنامه های نو و مطابق سلیقه جوانان را ارائه کند و همچنین با پرداختن به مسایل سیاسی و انتقادی، مخاطبان خاص خود را داشته باشد.

در ۱۶ اگوست سال ۲۰۰۵ میلادی فعالیت تلویزیون خصوصی «آریانا» آغاز شد، که رویکردی همانند طلوع داشت و توانست با برنامه های متنوع و امکانات زیاد، مخاطبین لازم را پیدا کند.



در شبکه های خصوصی تلویزیون افغانستان، توجه به برنامه های ویژه زنان، جوانان، علمی، تفریحی، معرفی چشم اندازهای طبیعی، گفتگو با فعالان عرصه سیاسی و خبر رسانی از جایگاه خاصی برخوردار است. موانع و مشکلات:

مهم ترین مشکل افغانستان در گسترش برنامه های تلویزیونی برق است. در صورت رفع این معضل می توان شاهد راه اندازی تلویزیون های خصوصی بیشتری بود. طبق آمارهای ارائه شده، فقط ۱۱ درصد جمعیت افغانستان به برق دسترسی دارند.

کثرت رسانه های دیداری در افغانستان، به مشکل بی برنامه گی در این رسانه ها منجر شده است. تلویزیون های افغانستان در عرصه کیفیت برنامه ها چندان موفق عمل نکرده اند. حتی برنامه های سیاسی و خبری آنها نیز، به مشکل یکنواختی دچار است. این تلویزیون ها عمدتاً تلاش می کنند که با ساختار های نه چندان پیچیده برنامه بسازند. شاید دلیل آن، نداشتن امکانات فنی پیشرفته، استودیوی های مجهز و کادر مجرب باشد.

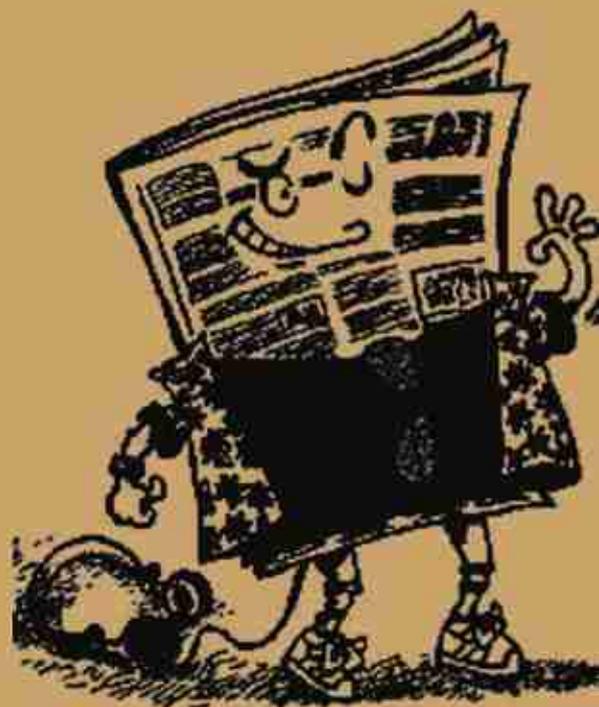
تلویزیون های افغانستان عمدتاً رویداد محورند و کمتر تلویزیونی را در این کشور می توان سراغ گرفت که به سمت برنامه های تحقیقی و تحلیلی برود.

البته بعضی از شبکه ها هستند که تلاش می کنند به مسائلی فراتر از رویداد های روزمره توجه کنند، اما هنوز از فرهنگ رسانه ای موضوع محور در این کشور خبر نمی دهد. مخاطب شناسی که امروزه بحث جدی در رسانه ها است، کمتر از سوی رسانه های دیداری در افغانستان جدی گرفته می شود.

با تمام امتیازاتی که تلویزیون های خصوصی افغانستان دارند به علت مشکلات مالی و کمبود نیروی انسانی برای تهیه و تدوین برنامه ها، تا حرفه ای شدن راه درازی را در پیش رو دارند.

نزدیک به هفتاد رسانه دیداری برای کشوری که نزدیک به یک دهه پیش، به عنوان کشور بدون تصویر در جهان شناخته می شد، می تواند نشانگر چه چیزی باشد؟ برخی این رقم را با نوعی کنایه بازتاب داده اند، در حالی که شماری از آگاهان رسانه ای، این کمیت را ناشی از فضای باز سیاسی در کشور می دانند.

به هر حال امیدواریم اوضاع رسانه های دیداری در افغانستان بهبود یابد و تلویزیون ها با توجه به نیازهای جامعه برنامه های خود را تنظیم کنند.



PANG LI / CHINA DAILY

هرچند حمایت کنندگان مالی تلویزیون های خصوصی در افغانستان متفاوت هستند ولی از نظر برنامه ریزی تفاوت چندانی نمی توان در کار آنها دید.

رویدادهای افغانستان و جهان، پخش موسیقی، فیلم ها و سریال های خارجی، از عمده ترین برنامه های این رسانه ها می باشد که در تمام شبکه های تلویزیونی مشترک است.

## رشد کیفی؛ حلقه مفقوده توسعه رسانه ای در افغانستان

اگر نظام های سیاسی حاکم بر افغانستان را از ابتدای پیدایش مطبوعات تا کنون در نظر بگیریم، می توانیم آنها را به نظام سلطنتی، نظام جمهوری های خودخوانده و نظام اسلامی تقسیم بندی کنیم.

نظام سلطنتی افغانستان، که پادشاه در رأس امور مملکت قرار داشت، دقیقاً یک قرن بر مطبوعات کشور سایه افکند. در نیم قرن اول تاریخ مطبوعات افغانستان، مالکیت، چاپ، نشر و اداره مطبوعات به طور کامل در اختیار دولت قرار داشت. پس از حدود نیم قرن از پیدایش نخستین نشریه دولتی، به تدریج حوزه انتشار نشریات دولتی از حوزه شهر کابل، پایتخت افغانستان فراتر رفت و فضا برای پیدایش نشریات خصوصی نیز مساعد گردید.

از دهه ۱۳۳۰ هجری شمسی که پای نشریات حزبی و گروهی در افغانستان باز شد، مردم افغانستان توسط مطبوعات حزبی مورد تهاجم و بمباران شدید ایندولوژیکی قرار گرفتند.

در دوره حاکمیت جمهوری های خودخوانده که با کودتای محمد داود در سال ۱۳۵۲ آغاز می گردد، نظام کمونیستی بر مطبوعات افغانستان سایه افکند و آزادی بیان به شدت محدود گردید. این مساله باعث شد که بسیاری از روزنامه نگاران ترک دیار کنند و در عالم مهاجرت در چارچوب احزاب یا به صورت آزاد نسبت به انتشار نشریات اقدام نمایند. در سومین دوره نظام های سیاسی افغانستان، که دولت اسلامی توسط مجاهدین تشکیل گردید، اختلافات گروهی باعث شد که هرج و مرج مطبوعاتی که از زمان پیدایش نشریات حزبی آغاز شده بود، در این دوره تقویت شود و در دوره های بعدی نیز ادامه یابد.

ورود طالبان به عرصه سیاسی افغانستان علاوه بر این که موجب حذف کلی تلویزیون از زندگی مردم افغانستان شد، سخت گیری هایی را نیز برای مطبوعات به دنبال داشت. پس از تحولات ۱۱ سپتامبر و روی کار آمدن دولت انتقالی و همچنین دولت اسلامی افغانستان به ریاست حامد کرزی، جنب و جوش مطبوعاتی و رسانه ای در افغانستان افزایش یافت و فعالیت های رسانه ای افغانستان وارد عرصه جدیدی شد.

در یک دهه گذشته و پس از سقوط طالبان در افغانستان، شاهد رشد چشمگیر رسانه ها بوده ایم و اکنون رسانه ها در افغانستان از بعد کمی به عنوان شاخصی در منطقه مطرح هستند.

با آغاز تحولات جدید در سال ۲۰۰۱، بستر مناسبی برای کارهای رسانه ای در کشور به وجود آمد، به گونه ای که می توان گفت به هر میزان که در گذشته، عرصه فعالیت های رسانه ای در افغانستان با محدودیت مواجه بود، در دور جدید زمینه مساعد شده است تا این نهاد تأثیر گذار اجتماعی، با بهره گیری از این فضا به فعالیت های آزادانه و مؤثر اقدام نماید.

مهمی شدن چنین فرصتی موجب شده که افراد زیادی اقدام به تأسیس رسانه نمایند، که هر کدام از این رسانه ها اهداف و انگیزه های خاص و رویکرد های گوناگون دارند و مطابق با نظرات خود برنامه ارایه می کنند.

در چند سال اخیر، رسانه های زیادی (چاپی، شنیداری، دیداری و ...)، به وجود آمده است و تعداد زیادی از آنها فعلاً نیز فعال می باشند. هم اکنون خبرگزاری ها، تلویزیون ها، رادیو ها، رسانه های چاپی و شبکه های اینترنتی بسیاری در کشور فعال می باشند که در اکثر بخش ها بدون نظارت مستقیم حکومت، و در یک محیط نسبتاً آزاد، فعالیت هایشان را دنبال می کنند.

البته باید توجه داشت که رشد کمی مطبوعات و انواع رسانه ها، بدون اهتمام به کیفیت آنها، امری است که ممکن است در آینده کشور را با بحران مواجه کند. زیرا وقتی بدون در نظر گرفتن توان و ظرفیت کشور، اقدام به تاسیس نهادهای مختلف رسانه ای صورت گیرد، قطعاً آن نهاد از لحاظ محتوا دچار مشکل خواهد شد. لذا هم اکنون شاهدیم که اکثر رسانه های کشور، اعم از دیداری و شنیداری و ... یا محتوای سطحی رو به رو است.

مثلاً ترویج مطبوعات ویرینگی که به نوعی، بازل چینی و جدول پرکنی تقلیدی را شیوه کار خود قرار داده اند، با کاربرد واژه های غیر معمول در زبان، صدمه جبران ناپذیری را بر بیکرة فرهنگ، ادبیات و زبان جامعه وارد ساخته اند. از طرفی رسانه های شنیداری و دیداری هم اگر با تمرکز بر زمینه های مورد نیاز شکل نگرفته باشند، مطمئناً فقط به اهداف اقتصادی خود اندیشیده و برای برون رفت از مشکلات مالی، به بخش فیلم های تکراری، تقلیدی و عامه پسند روی آورده تا بتوانند روی پا بمانند و در این میان، ضعف زمینه های تخصصی ممکن است آن ها را از تولید برنامه های مورد نیاز جامعه خود دور بدارد.

علاوه بر آن، نبودن پرسنل قوی و همچنین وابستگی های خاص آنان، از مسائل مهمی است که در حال حاضر بر سر راه رسانه ها قرار دارد، که این امر در رسانه های کشور حتی صدای کارشناسان و متخصصین عرصه رسانه ای را هم در آورده است. این مساله موجب شده، بسیاری از کارشناسان این عرصه، نسبت به جریان مخرب و سطحی سازی در رسانه های کشور به مقامات مسئول هشدار دهند و خواهان چاره سازی در این زمینه شوند.

البته در این میان استثنائاتی نیز هست؛ روزنامه ها و جرایدی وجود دارند که از طرف افراد مخلص و آگاه و هوشمند، که به منافع ملی کشور می اندیشند صورت می گیرد.

به هر حال، باید این نکته را متذکر شد که پیشرفت کمی رسانه ها، اگرچه خود مساله ای مهم و قابل تقدیر است، اما در موازات آن، باید به بعد کیفی هم توجه کامل داشت و محتوای رسانه ها را بر طبق نیازهای جامعه تنظیم نمود.





## رسالت فراموش شده رسانه ها

سید مصطفی موسوی مبلغ  
دانش پژوه کارشناسی فقه و معارف اسلامی



مروری بر کارکرد رسانه‌ها در عصر حاضر، بر این واقعیت صحنه می‌گذارند که رسانه‌ها با تمام انواع آن، به عنصری قدرتمند در جهت دهی افکار توده مردم و نقش آفرینی در عرصه‌های مختلف اقتصادی، فرهنگی و سیاسی مبدل شده‌اند.

بسیاری از کارشناسان مسائل رسانه‌ای عقیده دارند، امروزه رسانه‌ها مهم‌ترین عامل تغییرات اجتماعی هستند و در پیدایش عادات تازه و شکل‌گیری فرهنگ‌های جدید منطقه‌ای و جهانی نقش مهمی ایفا می‌کنند. رسانه‌ها در نظام‌های مردم‌سالار، یکی از ارکان دموکراسی محسوب می‌شوند و در نظام‌های توتالیتر نیز، به عنوان یکی از چهار ستون اصلی حفظ و اعمال قدرت، ایفای نقش می‌کنند.

رسانه‌ها در افغانستان، تاریخ پر فراز و نشیبی را طی کرده است، اما با همه فراز و فرودی که داشته‌اند، تأثیری غیر قابل انکار در تاریخ معاصر افغانستان و جریانات مختلف ملی بر جای گذاشته است.



آنچه مهم می‌نماید این مطلب است که در حال حاضر، رسانه‌های افغانستان به سوی انحصاری شدن پیش می‌روند و به عبارتی دیگر، گاه به تریبون ایدئولوژی قدرت سیاسی طبقه حاکم مبدل شده‌اند. در واقع اکثر رسانه‌ها به سمت وابستگی به مراکز قدرت پیش می‌روند و نقش به حرکت در آوردن و همگون کردن افراد جامعه با خواسته‌های قدرتمندان را بازی می‌کنند. این در حالی است که وظیفه اصلی رسانه‌ها، اطلاع‌رسانی بی‌طرفانه به مردم، و بازگویی حقیقت است.

این شرایط بیشتر در موقعیت‌هایی پیش می‌آیند که تعادلی میان مردم و حکومت وجود ندارد، یا منافع مردم در تضاد با منافع مراکز قدرت باشد. چنین رسانه‌هایی در گزینش مطالب خود، تنها به بازتاب رویداد‌هایی می‌پردازند که نقطه تلاقی و برخورد منافع مردم یا طبقه حاکم نباشد. این چنین است که برخی از رسانه‌ها، که قبلاً تعدیل‌کننده قدرت به نفع مردم بودند، اکنون واقعیات جامعه را بر نمی‌تابند و گاه اموری را ترسیم می‌کنند که دردی از مردم را دوا نمی‌کند. ترویج افکار و عقاید طبقه حاکم و «تولید رضایت»، امروزه یکی از مسایل مهمی است که کارشناسان عرصه رسانه در خصوص آن بحث می‌کنند. این مساله قابل انکار نیست که امروزه برخی از ظرفیت‌های رسانه‌ای به ابزار‌هایی برای کنترل توده مردم تبدیل شده‌اند، تا طبقه حاکم بتواند بدون اعمال نیروی فیزیکی، جریان عمومی را با خود همراه کنند.

تغییر مسیر رسانه ها و وابستگی آنها به مراکز قدرت، درست از زمانی آغاز شد که قدرت ها، بی به اهمیت رسانه در جامعه بردند و دریافتند که پیشبرد اهداف بلند مدت، بدون همراهی رسانه ها امری نا ممکن است. این تغییر مسیر، هم در کشور های توسعه یافته و هم در کشور های در حال توسعه به چشم می خورد که البته با شدت و ضعف همراه است.

البته شاید به دور از انصاف باشد که بگوییم تمام رسانه ها به مردم پشت کرده اند و از وظیفه اصلی و اولیه خود، که اطلاع رسانی و شفاف سازی مسایل مختلف است، دست کشیده اند. اما مساله اصلی، جریانی است که در بین رسانه ها به یک سنت تبدیل شده و آن، پیوند رسانه ها با مراکز قدرت و طبقه حاکم است. قطعاً در چنین فضایی کارکرد اصلی رسانه زیر سوال خواهد رفت و رسانه ها ارزش خود را از دست خواهند داد، زیرا باید مطابق معادلات قدرتمندان حرکت کنند.

این درحالی است که رسانه، اگر از قدرتی برخوردار باشد، به واسطه جایگاهی است که در بین مردم دارد. حال اگر رسانه ها این قدرت را در راستای دفاع از حقوق مردم بکار نبرند، قطعاً جایگاه و قدرت خود را در میان مردم از دست خواهند داد. این موضوع، باعث ایجاد شکافی عمیق بین مردم و رسانه ها می شود و این گسل عظیم نتیجه ای جز بی اعتمادی مردم به رسانه ها را در بر ندارد.

اگر رسانه ها صرفاً خود را وسیله ای برای بیان پیام حکومت و ایده های طبقه حاکم بدانند، شکاف آنها با مردم بیشتر می شود و در نتیجه اعتماد مردم به آنها از بین خواهد رفت. پس جا دارد که اهالی رسانه، رسالت اصلی خود را فراموش نکرده و استقلال اقتصادی و سیاسی خود را در برابر جریان های قدرت حفظ کنند.

به عبارت بهتر می توان گفت رسانه ها کارکردی دو سویه دارند؛ هم می توانند در جهت خدمت به طبقه حاکم و ترویج افکار و عقاید آنان مورد استفاده قرار گیرند، و هم می توانند سهم بزرگی در ایجاد انگیزه و حرکت جامعه به سوی پیشرفت داشته باشند

به نظر می‌رسد، با توجه به حرکت رو به جلو و پیشرو رسانه‌ها در سال‌های اخیر، که به عضوی تأثیرگذار در جریانات داخلی و بین‌المللی و مدیریت بحران‌ها تبدیل شده است، باید بر رسالت اصلی رسانه‌ها تأکید کرد و یاد آور شد که اخلاق رسانه‌ای ایجاب می‌کند، که فعالیت آنها در جهت منافع مردم باشد نه فرد یا گروهی خاص. با توجه به شرایطی که امروز در آن قرار داریم، به نظر می‌رسد رسانه‌ها باید مستقل عمل کنند و فرهنگ تملق را کنار بگذارند.

به عبارت بهتر می‌توان گفت رسانه‌ها کارکردی دو سویه دارند؛ هم می‌توانند در جهت خدمت به طبقه حاکم و ترویج افکار و عقاید آنان مورد استفاده قرار گیرند، و هم می‌توانند سهم بزرگی در ایجاد انگیزه و حرکت جامعه به سوی پیشرفت داشته باشند و وسیله‌ای باشند تا فرهنگ عمومی به وسیله آن پایه ریزی شود و گسترش یابد.

با تمام این اقوال، آنچه بدیهی به نظر می‌رسد، آن است که پیدایش دگرگونی‌ها و تعیین ارزش‌های اجتماعی، از مواردی است که در نتیجه‌ی کارکرد رسانه‌ها تحقق می‌یابد، از سوی دیگر با در نظر گرفتن تسلط قدرتمندان بر ابزارهای رسانه‌ای و این سخن که: «الناس علی دین ملوکهم» (روایت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، کشف الغم، ج ۲، ص ۲۱) باید بر عملکرد رسانه‌ها حساس بود تا خروجی آن امری مطلوب و مطابق با آرمان‌های اسلامی باشد.

تغییر مسیر رسانه‌ها و وابستگی آنها به مراکز قدرت، درست از زمانی آغاز شد که قدرت‌ها، پی به اهمیت رسانه در جامعه بردند و دریافتند که پیشبرد اهداف بلند مدت، بدون همراهی رسانه‌ها امری ناممکن است.

شکی نیست که رسانه‌ها به دلیل تأثیرگذاری که بر مخاطب دارند، یکی از ارکان اساسی حیات فکری و بقای معنوی جوامع محسوب می‌شوند و بسیاری از گزاره‌های دینی، فرهنگی و ... می‌تواند از طریق این ظرفیت بزرگ به جامعه منتقل شود، نقش سازنده‌ای که متأسفانه مورد بی‌اعتنایی قرار می‌گیرد و از آن به درستی استفاده نمی‌شود.

تلوزیون ملی هرات بیشتر به عنوان تلوزیون مادر بوده است و اکثر کارمندان تلوزیون های خصوصی که در هرات فعالیت دارند، در اینجا آموزش دیده اند و برای کارهای تلوزیونی و رسانه ای در اینجا تجربه کسب کرده اند و رفتند پشت ایجاد تلوزیون.

### تلوزیون هرات چقدر در عرصه تولید برنامه های دینی کار کرده است؟

جامعه هرات بدون شک یک جامعه سنتی است و مردم به این مسائل بسیار اهمیت می دهند و تلوزیون ملی هم با توجه به اینکه باید برنامه های آموزشی در حوزه های مختلف به ویژه در حوزه دین داشته باشد، همیشه سعی کرده که برنامه های آموزشی دینی در صدر برنامه های تلوزیون هرات باشد

فرهنگ هرات یک فرهنگ باستانی است و اشتراکات زیادی با کشور همسایه دارد و ممکن است خیلی از مسایل، با برنامه های کابل تفاوت داشته باشد، شما در تولید برنامه هایتان تا چه حد توانسته اید مطابق با فرهنگ مردم هرات عمل کنید؟

دومصاحبه باعبیدحمیدالله مدیر نشرات رادیو تلوزیون ملی هرات

## نبود بخش تولید

حضور علما در برنامه های تلوزیونی تا چه اندازه پر رنگ است؟

ما بیشتر سعی کردیم که علمای فهیم را در برنامه ها دعوت بکنیم، کسانی که حرف برای گفتن دارند و الحمدلله تعداد این بزرگواران در هرات کم نیست و توانسته اند برنامه های خوبی را برای مردم ارائه بکنند، چه در برنامه های زنده که ما تماس های تلفنی از بینندگان داریم و چه در برنامه هایی که به صورت کارشناسی بی ریزی می شوند و در آن برنامه ها، مسائل ریتر و عمیق تر با علمای دین بحث می شود.

در تولید برنامه هایی که برای تلوزیون ملی هرات بوده، بیشتر خواستیم که فرهنگ خود مردم هرات و داشته های اینجا را برای جوان و نسل امروز ارائه بکنیم. تلوزیون ملی در کابل، برنامه های متعادل دارد، چرا که ناچار هستند تمام ولایات را در نظر بگیرند،

آیا برای تولیدات تلوزیون هرات، با سایر تلوزیون ها هم تعامل داشتید یا صرفا با همکاری مسئولین هرات صورت گرفته اند؟

وزارت اطلاعات و فرهنگ ما پایین ترین بودجه ای که به وزارت های سی و چند گانه اختصاص داده می شود را دریافت می کند و آنها هم به دلیل کمبود امکانات، فکر نمی کنند متمایل به اجرای چنین برنامه ای باشند، همچنین بیشتر موسساتی که در داخل هرات فعالیت دارند و ما توانسته ایم یک مقدار اندکی از کمک های آنها استفاده بکنیم، بیشتر مربوط به کشور های اروپایی اند و من تصور نمی کنم چنین برنامه ای برای آنها جذابیت داشته باشد.

تا حالا شده که در برنامه های دینی، فیلمی را توسط کارشناسان مذهبی بررسی بکنید؟

نه، متأسفانه سینمای ما هنوز بر این حوزه تکیه نکرده و به این مساله توجهی نشده و فکر نمی کنم که این مساله، حتی مورد توجه علمای دین قرار گرفته باشد، به این لحاظ کمتر به این موضوع توجه شده است.

در حال حاضر تلویزیون بیشتر از منبر در عرصه تبلیغ کاربرد دارد، تا چه حد از ورود علما در عرصه تولید فیلم استقبال می کنید؟

تلویزیون هرات در بخش تولید فیلم و سینما با کمبود امکانات مواجه است و متأسفانه در وظایف تلویزیون هرات چنین چیزی نگنجدیده است.

# مصلحت تلویزیون هرات

سید سلیمان حسینی - هرات ۱۳۹۲

سوال آخری که از شما دارم این است که اگر از مهاجرین کسانی برگردند که در عرصه سینما و دین کار کرده باشند، شما چقدر گنجایش استفاده و به کار گیری از آنها را دارید؟

متأسفانه در بحث استخدام ما هنوز بخش تولید نداریم، ولی من فکر می کنم کسانی که فعالیت آکادمیک و تخصصی می کنند، در قسمت تولید برنامه های دینی حوزه سینما موفقیت هایی داشته باشند و مطمئن هستم که می توانند در اذهان عمومی تاثیر ویژه بگذارند و در رسانه های مختلف جذب شوند و شروع به کار کنند.

ما اتحادیه سینما گران و مدیریت عمومی افغان فیلم را داریم که در ساخت و ساز فیلم و رشد سینما کار میکند و اینها زیر مجموعه ریاست عمومی اصلاحات و فرهنگ هستند و من فکر می کنم راه اندازی این مساله برای علما، یکی از وظایف ریاست اصلاحات و فرهنگ و یا اتحادیه سینما گران باشد. متأسفانه تلویزیون هرات توان اینکه چنین مساله ای را راه اندازی بکند ندارد و به این لحاظ چنین اقدامی تا حالا صورت نگرفته است. گمان نمی کنید که اگر چنین اقدامی صورت بگیرد، برایتان بودجه آور باشد و از طرف برنامه ریزان، کمک های در خور توجهی انجام شود؟

متأسفانه وضعیت در افغانستان هنوز طوری هست که امروز تلویزیون ملی کم ترین بودجه را دریافت می کند،

# مطبوعات افغانستان از انحصار طلبی تا تکرر گرایی

حدود ۱۴۰ سال از عمر روزنامه نگاری در افغانستان می‌گذرد و در این سالها، مطبوعات افغانستان تجربه‌های مختلفی را در نظام‌های استبدادی، دموکراسی، کمونیستی و انقلابی داشته است. کشور افغانستان با انتشار «شمس النهار» چهارمین تجربه انتشار مطبوعات فارسی زبان در جهان را کسب نمود و در حال حاضر نیز مطبوعات کشور، در فضای جنگ و خونریزی همچنان به انتشار خود ادامه می‌دهند.

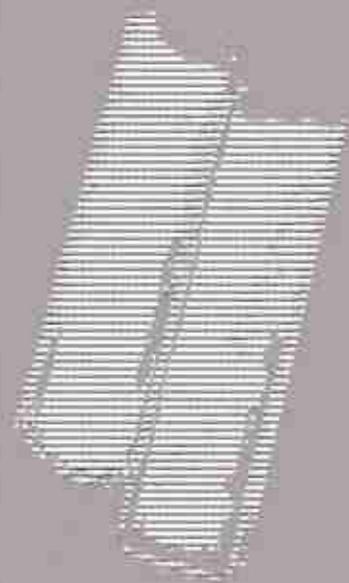
روزنامه شمس النهار با مسئولیت میرزا عبدالعلی خان در ۱۲۵۲ شمسی توانست، به عنوان نخستین روزنامه افغانستان به مردم این کشور معرفی شود. شمس النهار در ماه، دو یا سه مرتبه، در ۱۶ صفحه منتشر می‌گردید و مقالات آن عمدتاً توسط یکی از افراد فرهنگی آن روزگار به نام عبد القادر پیشاوری نوشته می‌شد. علاوه بر آن، چند مترجم نیز در این نشریه حضور داشتند.

همزمان با به قدرت رسیدن عبدالرحمن خان، انتشار شمس النهار نیز متوقف شد؛ اما در سال ۱۹۰۱ میلادی با زوی کار آمدن امیر حبیب الله خان، انتشار شمس النهار نیز از سر گرفته شد.

دوران حکومت حبیب الله خان را می‌توان دوران شکل‌گیری مطبوعات نوین در افغانستان نام‌گذاری کرد، دلیل اصلی این نام‌گذاری، انتشار نخستین نشریه مدرن و نوین تاریخ افغانستان، یعنی «سراج الاخبار» است. این نشریه در ۹ میزان ۱۲۸۰ تا ۳۰ دلو ۱۲۹۷ هجری شمسی در زمان امیر حبیب الله خان در دو مقطع به نشر رسید، در مرحله اول، مسئولیت آن را عبدالرئوف قندهاری بر عهده داشت و تنها پس از انتشار یک شماره در سال ۱۲۸۴ متوقف شد. مرحله دوم نشر سراج الاخبار، پس از شش سال در تاریخ ۱۲ مهر ۱۲۹۰ شمسی می‌باشد که مسئولیت آن را محمود طرزی بر عهده داشت. در این زمان سراج الاخبار هر ۱۵ روز یک بار منتشر می‌شد که نقش مهمی در شکل‌گیری اجتماع سیاسی مردمان آن دوره داشت. در این میان، محمود طرزی برای اولین بار اندیشه‌های نوین تجدد طلبانه را در سراج الاخبار منتشر کرد.

در تاریخ ۱۹۲۷ اولین شماره جریده انیس در شهر کابل منتشر شد، که تا امروز، پس از چند بار توقف به نشر خود ادامه داده است. از دیگر نشریات دوران امان الله خان می توان به سراج الاطفال، اولین نشریه کودکان افغانستان، و ده ها نشریه دیگر اشاره کرد. غیر از نشریات فوق در کابل، نشریات دیگری نیز در سایر ولایات منتشر می شد که از جمله آنها می توانیم از روزنامه «اتفاق اسلام» با مدیریت صلاح الدین سلجوقی در هرات، «اتحاد مشرقی» با مسولیت برهان الدین کشکی در ننگرهار و روزنامه «طلوع افغان» با مسولیت عبدالعزیز خان و پوهاند عبدالحی حبیبی در قندهار نام ببریم.

علاوه بر رسانه های مکتوب، رادیو کابل هم در زمان امان الله خان پایه ریزی شد. اما فعالیت های رسمی آن در سال ۱۳۱۸ هجری شمسی، شروع شد.



سراج الاخبار در آن دوره رسانه ای بود که بسیاری از اصطلاحات سیاسی و فرهنگی جدید را وارد جامعه کرد. این مساله باعث شد تا محمود طرزی را «پدر ژورنالیسم افغانستان» لقب دهند. از منظر محتوایی، سراج الاخبار افکار ملی گرایانه را منعکس می کرد و گرایشات ضد انگلیسی داشت. این رویکردها باعث شد که انگلیسی ها حبیب الله خان را تحت فشار قرار دهند و در نهایت، انتشار نشریه بعد از هشت سال ممنوع شد. در زمان امان الله، روزنامه نگاری در افغانستان مورد توجه قرار گرفت و کسانی مانند محمود طرزی در حکومت جایگاه یافتند.

بعد از سراج الاخبار نشریات تازه ای شکل گرفتند که می توان به ارشاد النسوان (اولین مجله زنان افغانستان در دوران معاصر) اشاره کرد. نشریه ارشاد النسوان در دفاع و بالا بردن سطح فکری زنان به نشر می رسید.

این روزنامه تحت نظر ملکه ثریا همسر امان الله خان منتشر می شد. مسئولیت این روزنامه را اسما رسمیه، همسر محمود طرزی، و سردبیری آن را روح افزا، دختر محمد زمان خان خازن الملک بر عهده داشت.

در دوران امان الله خان نخستین قانون مطبوعات افغانستان به وجود آمد و در قانون اساسی بندهایی نیز به مطبوعات اختصاص یافت، که از جمله می توان به بند ۱۱ قانون اساسی اشاره کرد. این بند حق انتشار نشریه را به دولت افغانستان و اتباع آن محدود می کند. از دیگر اقدامات امان الله خان در زمینه رسانه ها، می توان به تاسیس ریاست مستقل رسانه ها اشاره کرد که در راستای سامان دهی اوضاع مطبوعات صورت گرفت.

با سلطنت محمد ظاهر شاه قضای باز تری هم برای مطبوعات کشور به وجود آمد که به افزایش تعداد و شمارگان مطبوعات در کشور منتهی شد. در این دوران نشریات جدیدی مانند هیواد (۱۳۳۸ شمسی به زبان پشتو)، کابل تایمز (۱۳۴۱ شمسی به زبان انگلیسی) و ... ایجاد شد. گذشته از این، در زمینه رسانه های دیداری، تلویزیون افغانستان در زمان ریاست جمهوری داوود خان تاسیس شد و فعالیت آزمایشی آن در سال ۱۳۵۷ شروع شد و هر روز یک ساعت برنامه داشت، در سال های بعد، چند فرستنده دیگر نیز در ولایات تاسیس شد.

ر سال ۱۳۵۷ که کودتای هفت ثور در کابل رخ داد، سیستم و نظام مطبوعاتی کشور به شدت تغییر کرد و بسیاری از نشریات توقیف شدند. در آن زمان، تنها نشریاتی اجازه انتشار در کشور را یافتند که فقط و فقط اندیشه ها و آرمان های حزب دموکراتیک خلق (کمونیستی) را منعکس می کردند. نشریاتی که در این دوران در کشور منتشر شدند برخی عبارتند از: «دور انقلاب»، «پیام»، «حقیقت سرباز»، «حقیقت انقلاب ثور» و ... در این میان، به نگاه بسیاری از کارشناسان مسائل رسانه ای، دوران ریاست دکتر نجیب الله را باید از دیگر دوره های فرمانروایی چپ گرایان در افغانستان جدا کرد.

در این حال با آغاز جنگ های داخلی، روزنامه و روزنامه نگاری در افغانستان افول کرد و در پی آن، بسیاری از نویسندگان و اصحاب قلم از کشور خارج شدند و تعداد زیادی از تشکل های مطبوعاتی فعال در کشور نیز منحل گردیدند. در واقع با تسلط بنیاد گرایان طالبان در افغانستان، رسانه های افغانستان دچار یک رکود بی سابقه شدند. رسانه هایی مانند تلویزیون با نگاه ایدئولوژیک آنها به طور کامل مورد بی توجهی قرار گرفتند و آن را تعطیل نمودند، تنها یک رادیو در افغانستان برنامه پخش می کرد که صدای شریعت نامیده می شد. این رادیو فقط چند ساعت برنامه در روز داشت و مهم ترین تربیون تبلیغاتی طالبان نیز به شمار می رفت.

نشریه رسمی طالبان «شریعت» نام داشت که به صورت هفته نامه در کشور منتشر می شد و در مناطق تحت نفوذ طالبان توزیع می گردید. در این بین، برخی دیگر از روزنامه های قدیمی نیز، به فعالیت خود ادامه دادند اما به طور کلی دیدگاه امارت اسلامی افغانستان را منعکس می کردند. از جمله این نشریات می توان به «هیواد» و «انیس» در کابل و «اتفاق اسلام» در هرات اشاره کرد.

بعد از فروپاشی طالبان و برقراری حکومت انتخابی، مهم ترین دوران رسانه ها در تاریخ معاصر کشور به وجود آمده است، که در سایه استقرار یک حکومت مرکزی و یک نظام سیاسی دموکراتیک در افغانستان، شاهد ظهور ده ها جریان با گرایش های مختلف در رسانه های دیداری، شنیداری و چاپی در سراسر کشور هستیم.

چرا که در این دوره، بر اثر اتخاذ سیاست های تنش زدایانه تا حد زیادی قوانین حاکم بر مطبوعات کشور تغییر کرد. البته در این زمان تا سال پیروزی مجاهدین، گروه های جهادی هم صدها نشریه با تیترهای کم و زیاد به وجود آوردند، اما با وجود این روند، با پیروزی مجاهدین در کابل، روزنامه و روزنامه نگاری تا حد زیادی از رونق پیشین افتاد، اما چند روزنامه به نام های «کابل»، «بالاحصار»، «صبح امید»، «شهر» و... نیز منتشر می شدند.

# طرزی و جومی سازی ژورنالیزم در افغانستان

سید کمیل مومن زاده

محمود طرزی به سرودن شعر نیز علاقه داشت اما نگارش نثر را سودمند تر از شعر می یافت. او اولین اثر خود را در سال ۱۸۸۸ میلادی با عنوان «سیاست نامه لُقر سعادت» نوشت که محتوای شرح سفر او از دمشق تا استانبول است. در سال ۱۸۹۰ مقدمه رساله «دبستان معارف» را نوشت. در دوره اقامت در دمشق، آرزو های او برای ترقی افغانستان شدت گرفت و این دغدغه را در مقاله ای با عنوان «زایون چه بود و چه شد» انعکاس داد. در سن بیست و پنج سالگی تألیف کتاب «دبستان معارف» را تکمیل کرد. این اثر بهلأ در دو قسمت به نام های «روضه حکم» مجموعه مقالات اخلاقی و حکم و در کتاب «از هر دهن سخنی و از هر چمن سمنی» که مجموعه مقالات ادبی و اشعار دوران جوانی او بود به چاپ رسید.

محمود طرزی، در تاریخ اول ربیع الثانی ۱۲۸۲ هجری قمری، مطابق با اول سنبله ۱۲۴۴ هجری شمسی در غزنین به دنیا آمد. او را به حق «پدر ژورنالیزم افغانستان» می دانند چرا که قلم و فعالیت های رسانه های او، نقطه آغازی بر فعالیت های حرفه ای رسانه در افغانستان محسوب می شود.

در عهد پادشاهی «عبدالرحمن خان» خانواده محمود طرزی، به قلمرو ترکیه عثمانی تبعید شدند. آنها ابتدا در کراچی توقف کوتاهی داشتند و سپس به بغداد می روند و پس از اقامتی کوتاه، به دمشق، مرکز روشنفکری امپراطوری عثمانی مهاجرت می کنند و همان جا ساکن می شوند. در آن زمان محمود طرزی ۱۷ سال بیشتر نداشت.

طرزی جوان به زودی دو زبان عربی و ترکی را می آموزد و سپس به زبان های آلمانی، فرانسوی و انگلیسی نیز در حد ترجمه تسلط پیدا می کند و در همین ایام جوانی، آثار زیادی از خود بر جای می گذارد.

NEWS

۱۳۸۸

باید توجه داشت که نوشته های محمود طرزی درباره روزهای واپسین سید، گنجینه تاریخی پر بهایی است که تا به حال در نوشته های هیچ کس بهتر از او بیان نگردیده است.

تحولات اجتماعی در افغانستان همزمان با روی کار آمدن حبیب الله خان آغاز شد. از جمله این تحولات می توان به تاسیس نخستین مدرسه با نام «لیسه حبیبیه» در سال ۱۹۰۳ و پس از آن «مکتب حریبه» و بالاخره انتشار اولین شماره روزنامه سراج الاخبار به مدیریت مولوی عبدالرئوف در ۱۹۰۶ میلادی اشاره کرد.

هر چند سراج الاخبار پس از نشر یک شماره توقیف می شود، اما پنج سال پس از آن، در ۱۹۱۱ بار دیگر و این بار به مدیریت محمد طرزی مجدداً منتشر می شود.

او در دو سال توقف خود در استانبول، بین سال های ۱۸۹۶-۱۸۹۷ با سید جمال الدین اسدآبادی آشنا می شود و این آشنایی، به دوستی عمیقی می انجامد، تا آنجا که طرزی تحت تاثیر افکار و عقاید او در مورد نوگرایی در اسلام قرار می گیرد. صحبت ها و دیدار سید جمال الدین اسد آبادی که آخرین ماه های زندگانی او بود، تأثیر شگرفی در او می گذارد.

محمود طرزی جریان ملاقات های هفت ماهه خود را با سید جمال الدین افغانی که آخرین روزهای حیات سید را در بر می گیرد، طی مقاله های مبسوطی در «سراج الاخبار افغانیه» منتشر کرده است.



EPIC

او که با تفکرات سید جمال الدین در استانبول آشنا شده بود، بعد از بازگشت به افغانستان، افکار سید جمال الدین را به مردم ابلاغ کرد و توانست به کمک قلم و قدرت نویسندگی خود، قدم بزرگی در اتحاد مسلمانان آن دوره بردارد.

انتشار سراج الاخبار از مهم ترین رویدادهای زندگی محمود طرزی و تاریخ مطبوعات افغانستان بود که باعث شد وی به عنوان پدر مطبوعات افغانستان لقب گیرد و در واقع، آغازگر فعالیت های روزنامه نگاری به شیوه نوین در کشور باشد. طرزی با نفوذی که در حکومت داشت توانست انتشار سراج الاخبار را که قبل از او فقط یک شماره منتشر شده بود، دوباره از سر گیرد و انتشار آن را تداوم دهد و ادبیات اروپایی را به جامعه افغانستان معرفی کند. طرزی با ترجمه آثار ادبیات غرب مانند رمان، داستان کوتاه، مقاله های ادبی و شعر، در نظم و نثر زبان فارسی افغانستان دگرگونی اساسی ایجاد کرد. همسایگی بریتانیای کبیر در بخش بزرگی از مرزهای شرقی و بیم انگلیسی ها از هر گونه تحول در داخل خاک افغانستان، باعث شد که شخصی چون محمود طرزی نیز، که مناصبی بلند پایه در وزارت خارجه داشت، در پیشبرد اندیشه های ترقی خواهانه اش تنها بماند، اما او به هر نحوی بود سعی می کرد سراج الاخبار را سرپا نگه دارد.

طرزی ضمن انتشار سراج الاخبار، به ترجمه آثار ادبی اروپایی نیز پرداخت که این ترجمه ها و مقالات، در ادبیات معاصر دری تاثیر بسزایی گذاشت. اولین ترجمه او «جزیره پنهان» اثر ژول ورن بود. سپس داستان بلندی به نام «فاجعه های پاریس» از یک نویسنده فرانسوی ترجمه کرد که در سراج الاخبار به چاپ رسید.

او اشعار خود را به همراه داستان های کوتاه و نمایش نامه هایش در عمر هشت ساله مدیریتش در سراج الاخبار چاپ و منتشر می کرد و سعیش بر این بود که عامه قهیم بودن مطالب را در سراج الاخبار متداول سازد.

او در مورد ادبیات اروپایی مقاله می نوشت و چگونگی نوشتار، سبک، و مختصات این گونه ادبیات را به زبانی ساده تشریح می کرد. محمود طرزی برای اولین بار رمان را به افغانستان معرفی کرد.

شیوه های نوین ادبی برای اولین بار در سراج الاخبار پدیدار شدند، یعنی در ضمن مطالبی که در آن نوشته می شد، واژه های نو و جدید و اندیشه های تازه نیز از این طریق به جامعه منتقل می شد. برای اولین بار اخبار جنگ هایی که در جهان روی می داد و اخبار اختراعات جدید در سراج الاخبار انعکاس می یافت و موضوعاتی از این قبیل که زبان چیست و آیا زبان قابل اصلاح است در آن مطرح می شد.

او تلاش می کرد تا نشریه ای را که به نظر او یکی از مهم ترین ابزار تمدن جدید به شمار می رفت، برای کشور به ارمغان آورد. طرزی به عنوان مدافع روشنگری به تجزیه و تحلیل عواملی توجه نمود که باعث عقب ماندگی افغانستان و به طور کلی جهان اسلام شده بود.

از آنچه گفته شد به این نتیجه می رسیم که سراج الاخبار و اندیشه های تجدد طلبانه طرزی، تاثیر بزرگی بر جوانان تجدد خواه و قشر تحصیل کرده افغانستان داشت. سراج الاخبار از همان آغاز نشر خود، هدفمندانه و با زبانی ساده به فعالیت های نوگرایی پرداخت و با رویکردی ضد استعماری و اصلاح طلبانه، نقش مهمی در آگاهی توده مردم ایفا کرد.

مطالب ضد استعماری، دعوت به وحدت و انتقادات او بر احوال داخلی کشور، در صفحات سراج الاخبار و سایر آثار او مشاهده می شود. همچنین مقاله ها و نوشته های او درباره استقلال سیاسی افغانستان، بسیار پر رنگ و برجسته است.

تفکرات نوگرایانه او و شیوه های نوین ادبی که طرزی برای اولین بار به پیکر جامعه ادبی افغانستان تزریق کرد، و خدمات او به دنیای روزنامه نگاری افغانستان، که نقطه آغازی بر فعالیت های حرفه ای رسانه در این کشور محسوب می شود، باعث شده است که او را «پدر ژورنالیسم افغانستان» لقب دهند.



## درباره انجمن

انجمن فرهنگی تبلور اندیشه: در سال ۱۳۸۲ با هدف ارتقاء سطح علمی و اندیشوی جوانان در نشستی با حضور جمعی از محصلین افغانستانی تاسیس گردید. برای اجرایی شدن اهداف این انجمن در رسیدن به افق متعالی متصور شده در اساسنامه، پلان کاری انجمن در سه بخش (آموزش، پژوهش و فصلنامه) پایه ریزی گردید که شامل موارد زیر است:

**واحد آموزش:** برای محرومین از تحصیل که به هر نحوی توانایی رفتن به مکاتب دولتی را ندارند، تشکیل گردید. که به تدریس دروس پایه های ابتدایی، راهنمایی (متوسطه) و دبیرستان (لیسه) و در کنار آن فوق برنامه های آموزش احکام، قرآن، کامپیوتر و زبانهای خارجی پرداخته می شود.

**دارالقرآن:** که به تعلیم قرآن در حیطه های روانخوانی، تجوید، صوت و لحن مشغول است.

**واحد پژوهش:** با توجه به گسترش علم در عصر ما و نیاز به دانشن که از واجبات است این انجمن بر آن شد تا با حمایت موسسه آکندن اینترنشنال به تاسیس کتابخانه سیار بنماید که این کار با همیاری جوانان اندیشمند، دلسوز و شیفته خدمت برای نونهالان این مرز و بوم انجام پذیرفت.

پایگاه اطلاع رسانی به آدرس: [Http://www.tabalwor.com](http://www.tabalwor.com)

**برگزاری همایش های علمی، فرهنگی (افغانستان، دین و تجدد) (بزرگداشت سوم جوزا روز ملی معلم) (اسلام تمدن گرا یا تمدن اسلام گرا)،** برگزاری برنامه های نمایشی (تئاتر بازگشت) (تئاتر پرواز) (جشن تکلیف)، ارائه لوح های فشرده: جمع آوری مجموعه سخنرانیهای اندیشه ورزان اسلامی و تهیه به صورت نرم افزاری و توزیع رایگان از دیگر کارهای این انجمن است.

و اکنون نیز با رویکردی رسانه ای فعالیت هایمان را در طراحی و تولید نرم افزار های چند رسانه ای (نرم افزار قرآنی تلاوت - تقدیر شده در سومین جشنواره بین المللی طوبی - کتابخانه الکترونیکی - مخصوص پژوهشگران ادیان) (کتاب نایاب با امکان فیش برداری) - نرم افزار حجاب در ادیان، نرم افزارهای اسلامی برای موبایل و فصلنامه الکترونیکی اندیشه نو، از جدیدترین فعالیت های این انجمن میباشد، امیدواریم در راستای تعالی جامعه پیرامونمان وظیفه خویش را در قبال هموعلمان به انجام برسانیم.

با ما میتوانید از طریق سایت انجمن، فیس بوک، تویتر، لینکداین، گوگل پلاس، گروپ گوگل، گروپ یاهو، فیس بوک یا ایمیل های گوگل و یاهو به تماس شوید خوشحال خواهیم شد تا از ارشادات گرانمایه شما عزیزان بهره بجویم.

<http://www.Tabalwor.com>

<http://www.Facebook.com/tabalwor>

<http://www.twitter.com/tabalwor>

<http://www.linkedin.com/in/tabalwor>

<http://www.google.com/profiles/tabalwor>

<http://groups.yahoo.com/group/tabalwor>

<http://groups.google.com/group/tabalwor?hl=fa>

<http://www.Facebook.com/groups/tabalwor>

[Info@tabalwor.ft.com](mailto:Info@tabalwor.ft.com)

[Tabalwor@gmail.com](mailto:Tabalwor@gmail.com)

[Tabalwor@yahoo.com](mailto:Tabalwor@yahoo.com)



فصلنامه علمی، فرهنگی و سیاسی  
شماره ۱۹۱ خرداد ۱۳۹۱

## فعالیت ها به روایت تقویم

۱۳۸۲: تاسیس واحد آموزش با مقاطع مختلف تحصیلی (ابتدائیه، متوسطه و لیسه)

برگزاری اعیاد و جشن های مذهبی و ملی  
ایجاد دارالقرآن به همراه اهداء رحل و ۳۰ جلد قرآن



۱۳۸۳: نشر فصلنامه علمی، فرهنگی، اجتماعی «کلیک»  
که تا سال ۱۳۸۷ به تعداد ۲۳ شماره به نشر رسید

۱۳۸۴: اجرای طرح بزرگ شور و نشاط و سلامت

مصاحبه با شخصیت های مطرح علمی، فرهنگی، سیاسی افغانستان  
آغاز به کار نمایندگی هرات

ارسال بسته های فرهنگی، شامل قرآن و سایر کتب به مناطق مرکزی افغانستان

شرکت در جشنواره توانمندی های طلاب مرکز جهانی علوم اسلامی - قم

شرکت در اولین نشست فرهنگی اندیشه و قلم

برگزاری مراسم سوم جوزا (روز ملی معلم) با همکاری کنسولگری افغانستان

راه اندازی وب سایت انجمن برای اطلاع رسانی بین المللی و ارائه فعالیت ها

فراخوان عمومی با موضوع «افغانستان، دین، تجدد و آینده»

اهدای جوایز به برندگان این فراخوان

۱۳۸۵: نشر ویژه نامه ها در مناسبت های مختلف سال

برگزاری اردوهای تفریحی و آموزشی

برگزاری جشن بزرگ غدیر

۱۳۸۶: کسب مقام اول فصلنامه کلیک در طراحی و صفحه آرایی

(جشنواره توانمندی های طلاب، مرکز جهانی علوم اسلامی)

کسب مقام دوم در بهترین نشریات

کسب مقام اول سایت انجمن در جشنواره بین المللی توانمندیهای طلاب

نشر ۱۴ شماره از فصلنامه کلیک به همراه ۴ ویژه نامه

ارسال بسته های فرهنگی به موسسات و هیئات مذهبی افغانستان

شرکت در دومین نشست اندیشه و قلم

ارائه نسخه الکترونیکی فصلنامه و ارسال به اعضای سایت

## فعالیت ها به روایت تقویم

۱۳۸۷: تشکیل گروه اینترنتی انجمن برای گسترش فعالیت های انجمن در فضای وب

تولید نرم افزار های مولتی مدیا

الف: حجاب در ادیان

ب: سخنرانی های برتر

ج: کتابخانه دیجیتال

۱۳۸۸: کسب رتبه تقدیر بابت تولید نرم افزار قرآنی تلاوت

تولید فصلنامه الکترونیکی اندیشه نو

تشکیل گروه اینترنتی گوگل

ورود به شبکه های اجتماعی

تغییر دامین سایت از [www.tabalwor.4t.com](http://www.tabalwor.4t.com)

به [www.tabalwor.com](http://www.tabalwor.com)

۱۳۸۹: تغییر رویکرد انجمن برای تولید محتوی

ایجاد شورای عالی تصمیم گیری بر انجام فعالیت های انجمن

ایجاد کتابخانه افغانستان شناسی برای اعضای انجمن

تولید محتوی الکترونیکی

تولید و پشتیبانی از سایت های اطلاعات علمی افغانستان

تهیه پروپوزال دایره المعارف الکترونیکی برای تولید محتوی غنی

آغاز به کار نمایندگی مزار شریف

۱۳۹۱: تبدیل کامل آرشیو سابق به نسخه الکترونیکی، با قابلیت های جستجو، بوک

مارک، پرینت، اشتراک گذاری در شبکه های اجتماعی

راه اندازی کتابخانه تخصصی افغانستان شناسی برای اعضاء تحریریه

ارتقاء و گسترش فعالیت های انجمن در عرصه سایبر

دعوت از اساتید مجرب در زمینه مدیریت فرهنگی

برگزاری نشست های هم اندیشی با عناوین:

۱ - «افغانستان، روحانیت و جامعه مجازی»

۲ - «افغانستان، آینده و چالش های دینداری»

برگزاری دوره کامل آشنایی با فضای سایبر

... و همچنان ادامه دارد

سندها

کتابخانه مرکزی دایکندی  
National Central Library

الله محمد با خط عثمان طه (قطع در)

فرهنگی بنده اندیشه قرطی حیات

کتابخانه قورق دلدردا هدایا که ما در افغانستان

تلفن: ۰۰۹۰۵۱۲۰۳۸۸۹

بسم الله الرحمن الرحيم  
مجمع علماء، مفتیان، و علماء دین دایکندی  
(مجلسه علمیه دایکندی)

انجمن فرهنگ بنده اندیشه  
فرهنگی بنده اندیشه  
فرهنگی بنده اندیشه

افغانستان بهر وایت تصویر

ما اذمر لعبر وائل لا اذمر  
شاعر  
عام

چه بسیارند عبرت ما و چه اندک است عبرت گرفتن

عشیرت محمد و آل محمد





ارگ بالا حصار هرات معروف به قلعه اختیار الدین یا قلعه اسکندر مقدونی



دست فروشان کابل



سد نغلو - لغمان



قصر دلگشا در کابل



پل درونپته در جلال آباد



باغ عمومی در پشیمان



«مسجد عیدگاه» کابل یادآور غازیان افغان و استقلال افغانستان



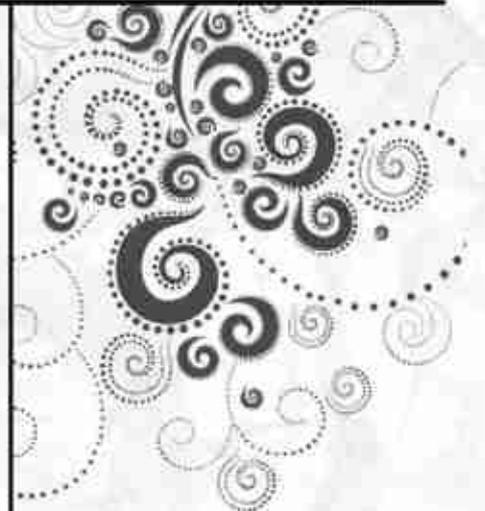
مقبره امان الله خان غازی - جلال آباد



«باغ بابر» میراث ۴۰۰ساله گورکانیان در کابل



مسجد عبدالرحمن خان - کابل





مهاجرین - در حال بازگشت به وطن



میدان فواره (سینما آریانا) کابل



پل بهسود - جلال آباد



مترو یل - کابل



ناوگان حمل و نقل عمومی

